سعید خودداری نایینی[1]

گلستان کاغذ: نگاهی دوباره به تاریخ و ساخت کاغذهای ابری

چکیده

با وجود پژوهش‌های فراوان دربارهٔ کتاب‌آرایی ایرانی، همچنان جنبه‌هایی از آن در آغاز راه تحقیق قرار دارد. ساخت کاغذهای رنگی، چه رنگ در بافت کاغذ باشد و چه روی کاغذ، از جمله هنرهایی است که تاریخ و شیوهٔ ساخت آن هنوز ابهامات بسیار دارد. کاغذ ابری که اولین تجربه‌های آن به پیش از سدهٔ نهم باز می‌گردد در سدهٔ نهم رواج یافت و در سده‌های بعد سبک‌ها و شیوه‌های ساخت متفاوت یافت. پژوهش حاضر، با نگاهی به تاریخ استفاده از کاغذهای رنگی و خصوصاً کاغذهای وارداتی از چین در سدهٔ نهم، نشان می‌دهد که استفاده از کاغذ رنگی نه‌تنها برای نسخه‌های هنری و نفیس سدهٔ دهم به‌کار می‌رفت، بلکه فروانی کاغذهای رنگی در یادداشت‌های شخصی سدهٔ یازدهم بیانگر آن است که احتمالاً از نظر اقتصادی ارزان‌تر از گذشته تولید می‌شد. از طرف دیگر، دربارهٔ ابری‌سازی به سوابقی کهن‌تر اشاره می‌شود. یکی از این اسناد، که نامه‌ای ادیبانه از طغرای مشهدی است، از اصطلاحات این هنر نام می‌برد و از ارسال کاغذهای ابری ایرانی (قره‌باغ) به هندوستان یاد می‌کند و البته می‌تواند یک عبارت‌پردازی ادبی هم تلقی شود. دو یادداشت دیگر در مورد مواد به‌کاررفته در ساخت کاغذ ابری سخن می‌گویند و یکی از آنها مانند بیشتر متون موجود اصطلاحاتی مربوط به فرهنگ هندوستان دارد.

کلیدواژه‌ها: کتاب‌آرایی، کاغذ ابری، کاغذ رنگی

ت ۱. قرآن با کاغذهای رنگی، ساخت چین، دورهٔ تیموری، مجموعهٔ خصوصی، افغانستان. (این قرآن که نقاشی‌های چینی با طلا روی صفحات متعدد آن وجود دارد در سال ۱۳۹۹ در یک حراجی بین‌المللی با قیمتی بسیار بالا فروخته شد.)

مقدمه

هنرهای حوزهٔ کتاب‌آرایی در دورهٔ اسلامی از نظر تنوع سبکی یا شیوه‌های اجرا در فرازوفرود بوده است. پس از حملهٔ مغول، کتاب‌ها و مرقعات محمل هنرهای زیبا و متنوع و مجلای هنر هنرمندان نقاش، خوشنویس، کاغذساز، مذهب، جدول‌کش، جلدساز، قطاع (قاطع)، وصال، مهرساز و بسیار دیگر گردید. کاغذ بخش مهم کتاب بود که در نسخه‌های ظریف و هنری دورهٔ تیموری با رنگ‌های محدود تزیین شد و، همراه با ظهور جنگ‌ها و مرقعات، ابزار کار مرقع‌سازان و قطاعان و وصالان شد.

تنوع رنگی کاغذ در قرآن‌هایی که روی کاغذهای چینی نوشته می‌شد (ت ۱) در سدهٔ دهم و مخصوصاً یازدهم بسیار مورد پسند واقع شد. در جُنگ‌ها و مکاتبات نیز طیفی متنوع از کاغذهای رنگی (مانند کاغذهای ترمه و فستقی) با رنگ‌هایی چون سبز و صورتی و سرخ و قهوه‌ای به‌کار رفت، اگرچه پس از سدهٔ یازدهم باز از شمار آنها کاسته شد. کاغذهای رنگی خود نیز تزیین می‌شدند و هنرهای دیگر چون افشان و عکس (که از سده‌های پیش‌تر رایج بود) روی آنها اجرا می‌شد (ت ۲).

تزیین کاغذ با یک یا چند رنگ، که از اواخر سدهٔ نهم مورد توجه قرار گرفته بود، در سدهٔ دهم هنری مستقل شد و به‌نام کاغذ ابری یا ابروباد برای خوشنویسی یا حاشیه‌سازی مرقعات کاربرد یافت. بدین ترتیب، سبک‌های گوناگون ابری‌سازی در مناطق مختلف جهان اسلام گسترش یافت، چنان‌که در سده‌های دهم و یازدهم مناطق ایران و هند در این خصوص با هم تعامل داشتند[2] و بعدتر در دورهٔ عثمانی نیز سبک‌های متنوعی

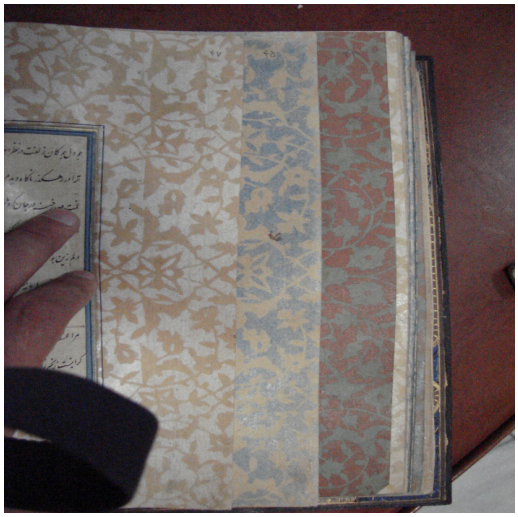

ت ۲. کاغذهای رنگی مزین با هنر عکس، دیوان امیر شاهی سبزواری، ۹۸۰ق، کتابخانهٔ ملک، نسخهٔ ش ۵۹۷۵.
ت ۳. منطق الطیر عطار، با کاغذهای رنگی و ابری و افشان طلا، به‌خط سلطانعلی مشهدی، ۸۹۲ ق. موزهٔ متروپلیتن، ش ۶۳. ۲۱۰. ۱.
ت ۴. کاغذ ابری داخل جلد از یک مرقع. کتابخانهٔ ملی فرانسه، مرقع Smith-Lesouëf 247.

از ابری‌سازی رواج یافت. تنوع کاغذهای ابری تنها مربوط به نقوش ابری نیست و نوع کاغذ، جنس رنگ، مواد تثبیت‌کننده و نیز شیوهٔ اجرا نیز در آنها متفاوت است.

این هنر به غرب نیز راه یافت و در نمونه اسکناس‌های بانک انگلیس در ۱۶۹۵م[۳] و بیست‌دلاری آمریکا در ۱۷۷۵م هم به‌کار رفت (به‌صورت یک حاشیه در سمت چپ اسکناس)، که با توجه به استیلای استعماری انگلیس بر شبه‌قاره می‌توان گفت سوغات فرهنگی این منطقه به غرب بوده است.

بحث و بررسی

هنر نقش‌اندازی ابری یا فقط با طلایی رنگ در دوره‌های متأخر بر لبهٔ کتاب‌های[۱] فرنگی و ایرانی نیز اجرا شد. در سیر تاریخ تحولات فرهنگی واژگان و اصطلاحات کاغذ ابری با واژگان فرنگی جایگزین شدند، اما، بنا بر همان منابع، مرکز ایجاد و ابداع این هنر ایران بوده است. در کشف الصنایع علی حسینی نیز شیوهٔ ساخت کاغذ ماربل (مرمری) با اصطلاحات فرنگی و هندی آمده است.[۴] شبیه این متن در برخی دیگر از متون چنددانشی شبه‌قاره نیز یافت می‌شود. در سده‌های دهم و یازدهم در هندوستان (دکن) از کاغذ ابری برای تهیهٔ نقاشی‌های کلاژ نیز استفاده شد.[۵] در سده‌های اخیر نیز از کاغذهای ابری موجود در نسخه‌های اوراق‌شده برای مرمت جلدها بسیار استفاده شده است.[۶]

نگارنده پیش‌تر برخی مستندات تاریخی مربوط به ارسال نمونه‌های کاغذ ابری هندی به ایران و نمونه‌ای از ابری‌های میرمحمدطاهر را نشان داده است.[۷] اما گویا در آغاز سدهٔ دهم کاغذهای ابری ایرانی هم به هندوستان رفته است. دو برگهٔ ابری ایرانی در سال ۹۰۱ق برای سلطان خلجی دکن فرستاده شد که اکنون در مجموعهٔ کرونوس در نیویورک نگهداری می‌شود (ت ۱) و کهن‌ترین نمونه‌های تاریخدار کاغذ ابری ایرانی به‌شمار می‌رود. پشت یکی از این برگه‌ها نوشته شده است:[۸]

آ. یادداشت این ابری‌های نادره /از تحفه‌جات ایران به خدمت حضرت خلافت پناه ظل اللهی سلطان غیاث الدین خلجی خلّد الله[۲] ملکه / در ماندوآمده بود یکم ذ[و]الحجه سنه ۹۰۱هجری داخل کتبخانه شاهی شد.

بنسون ابری‌های نسخه‌ای از دیوان انوری را نیز که برای اکبرشاه گورکانی تهیه شده از همین سبک می‌داند.[۹] در دیوان طغرای مشهدی (د حدود ۱۰۷۸ق) نیز به ارسال قطعهٔ ابری از قراباغ[۳] به هندوستان یاد شده است.[۱۰] زندگانی طغرا در سفرهای متعدد بوده است

(۱) روی لبه یعنی قسمت مقابل عطف کتاب، جایی که کاغذهای کتاب روی هم قطر کتاب را تشکیل می‌دهند
(۲) در سایت موزه متروپولیتن و مقاله بنسون (۲۰۱۵:۱۶۰) هر دو خلد الاهه بازنویسی شده است.
(۳) قراباغ در متن می‌تواند اصطلاحی ادبی و مراعات نظیر هم تلقی شود.

و مشخص نیست در آن زمان در کدام شهر هند بوده است. برگ‌های دیگر این مرقع مربوط به خوشنویسی و دبیری است و در اوراق دیگر از کشمیر و پنجاب یاد شده است. یعنی نزدیک به نیم قرن پس از آنکه ذوالفقارخان قرمانلو، حاکم اردبیل، ابری‌های محمدطاهر را طلب کرده، ابری‌های ایرانی به‌سوغات به هند رفته است. طغرا در این قطعهٔ ادیبانه اختراع کاغذ ابری و «گلستان ساختن کاغذ» را به مخاطب نامهٔ خود نسبت می‌دهد. با آنکه عبارت‌پردازی ادبی در این نامه غالب است، اما می‌توان احتمال داد که ترکیبات یاد شده در متن برای ساخت کاغذ ابری نیز استفاده می‌شد. در کنار نام برخی رنگ‌ها، وی از قالب چوبی، حلیهٔ کاغذ ابری، شانهٔ آبنوس، آهار زدن کاغذ، مهرهٔ عقیق، تذهیب کردن و جدول‌کشی نقره یاد کرده است:

«/۲۴۳/کلکم چو رو به کاغذ آبی چو باد کرد
این رنگ وصف ابری **سلطان مراد** کرد

رونق‌افزای نیل سوسن، طروات‌فروز سفیده نسترن، روانی بخش سیاهی ریحان، بی جِرم ساز سرخی ارغوان، بر آب نگهدار کبودی بنفشه، به کاغذ سپار سبزی سه برگه، تصرف نمای صنایع بهار، سلطان قراباغ تازگی کار، پیوسته در هنرپروری موفق بوده، رنگینی فرد وجودش زوال‌پذیر مباد. سه قطعه‌ای که دوچشم یکی مثل آن ندیده بود سیرگاه نظاره گردید. معنی گلستان بر کاغذ صورت دادن اختراع آن نادرالزمان است و برای بی برگان لاله زاری فرستادن، ابداع آن بی نظیر دوران. کدام رنگ است که در کارخانهٔ او داد فروغ نداده و از آنچه در خم صبّاغ الارض بوده بهتر نیفتاده، کبودی سوسن وسرخی گل به هم گویند صفای دیگر است و زردی صد برگ و سبزی سنبل از هم شنوند جلای دیگر است. ظرف رنگ رسانی را شمار از حد بیرون وکلک رنگ افشانی را حساب از مرتبه افزون. زمین از کاسه‌ها به چشمهٔ آفتاب گوناگون رسیده وهوا از خامه‌ها رگ سحاب رنگارنگ دیده. هر جا بوی ابری ساختن او بر آید /۲۴۴/نقاش بهار به رنگ ساییدن در آید. قلمش از پر تذرو جنت اعلاست و قالبش از چوب درخت طوبا. حلیه اش از دانهٔ خال حوران است وشانه اش از آبنوس مژهٔ غلمان. چنین که به رنگ‌های سنگین سبک می‌پردازد چه عجب اگر رنگ جسمی را روحی سازد. کهربا اگر رنگ بر آمدنی داشت بجای زریرش[؟] بر آب می‌گذاشت. سبزی زمرد چون بسیار خشک بود به کلک تر او از شرم رو ننمود. سرخی یاقوت که روانی نیافت به مقام لعلی او چگونه می‌شتافت. فیروزه طالع وا شدن ندارد به هم طبقی نیلش که می‌گذارد؟ رنگ جسمی لعل اگر ثقیل نمی‌نمود با رنگ روحی قرمزش همکاسه می‌بود. الماس به شکفتن رنگ نتوانست پرداخت با ریته‌اش چسان هم پیاله می‌ساخت. گوهر آب خود را قابل ریختن نشمرد والا در شستن ابری او به کار می‌برد. دستگاه هنرش به پایه‌ای نیست که لاجورد فلک را نتواند سایید وطلای آفتاب را نتواند مالید. اگر خواهد لعلی، شفق طیار است وزنگارِ سپهر در پای کار. طرح خاک چمن را بر آب حلیه می‌نگارد وگلستان قالب زدن را ابری سازی می‌شمرد. این قطعه ابری را با لکه ابر چه نسبت. از این رونق می‌بارد و از او باران، این از خود باغی دارد واو از یاران. سراپا نگاریست از کاغذ، لباس حریرپوشیده و از قالب، خویش را در آینه بدن نما دیده. شانه گیسوی مرغوله ریزش پنجه مرجان است وغازه رخسار طراوت خیزش لعل بدخشان. بلور آهار از آتش عشق او گداخت وعقیق مهره برتخته نرد غمش سر باخت. طلای تذهیب رویش را بوسید ونقره جدول برگردش گردید. کتاب از رشک چون نمیرد که جزء دان در بغلش می‌گیرد.

طغرا به وصف ابری او تا گشود لب
در گفتگوی تازه به مرغ چمن رسید
رنگی نبود درسخنش از بهار فیض
آخر بدین وسیله به رنگ سخن رسید.»

کاربرد مواد مورد استفاده در ابری‌های تاریخی با شواهد تاریخی روشن‌تر می‌شود و نتایجِ تفسیریِ آزمایش‌های فن‌شناختی را تدقیق می‌کند. البتّه ضرورت دارد که ابری‌های موجود براساس سبک اجرا و طرح و نیز مواد به‌کاررفته دسته‌بندی شود تا بتوان سیر تاریخی و سَبکی کاغذ ابری را بهتر دریافت. تحلیل سبک‌های شخصی در شناخت این هنر با وجود شباهت کلی در

ت ۵. نمونه‌هایی از کاغذ ابری ایرانی ارسالی به دربار سلطان غیاث‌الدین خلجی در هندوستان، ۹۰۱ق، مجموعهٔ کرونوس. مأخذ: www.metmuseum.org/art/collection/search/454826

طرح و رنگ راهگشاست. رساله‌های منتشرشده‌ای هم هنوز هستند که نیازمند بررسی مجددند و برخی رساله‌ها هم هنوز منتشر نشده‌اند.[۱۱]

در مورد مواد رنگی کاغذ ابری، یادداشتی به‌خط شکسته‌نستعلیق در جنگی از سدهٔ یازدهم به‌خط محمدقاسم کرمانی رنگ نیلی را از نیل و رنگ صورتی یا چهره‌ای (با درجات مختلف رنگی) مربوط به انذروت دانسته است:

«/۳۱۱/ در ساختن کاغذ ابری که نیل را چون بکار برد

باید که نیل سراب اعلا بستاند ودر ظرفی نهاده پاره آب بر سر آن ریزد ویک شب بگذارد تا زرد آب آن بیرون آید. بعد از آن، آن زرد آب را بریزد. باز آب کند تا زرد آبی که دارد بالتمام بیرون آید. آنگه از آن ظرف برداشته بر روی سنگ صلایه کند ودر محل صلایه از آب انذروت قدری داخل کند وظرفی را پر آب کرده در پیش خود گذارد وساعت به ساعت قدری از رنگ بر روی آب افشاند وملاحظه نماید اگر به طریقی که خواهد در وی باشد[؟] فبها والا اندک اندک داخل می‌کرده باشد تا خاطر خواه شود والله اعلم.»[۱۲]

در نسخه‌ای دیگر نیز در یک عبارت مختصر ترکیب موادی که برای ساخت مایع رنگی مورد نیاز برای رنگ کردن کاغذ ابری است این‌گونه ذکر شده است:

«/۵۰پ/دستورالعمل ساختن کاغذ ابری

- تخم شنبلیله، ۲۵ درم
- نیل فرنگی، ۵ سیر
- پیُری[۴]، ۵ سیر:
- هلیله، ۵ سیر
- افتیمون، ۵ سیر
- شیره گل، پیاله
- زرداب گل، ۳ پیاله»[۱۳]

(۴) پیوری: رنگ زرد با ترکیبی خاص شبه قاره، رك: الوان الصور (حیدری، ص۶۹)

در یک قطعهٔ خوشنویسی از سدهٔ دهم نیز گونه‌ای خاص از ابری‌سازی را شاهدیم، چنان‌که در آن نقوش قلبی‌شکل سبز و سرخ اجرا شده است (ت ۲).[۱۴] این قطعه شامل شش سطر از دعای منظوم منسوب به امام سجادؑ به‌قلم نسخ است. رقم کاتب به‌خط رقاع چنین آمده است: «کتبه العبد المذنب الفقیر الحقیر الراجی جمال الکاتب الشیرازی ۹۲۰ق.» پس از آن با فاصله‌ای اندک به‌خط شکسته‌نستعلیق آمده است: «[...] قصبه جهرم بتاریخ [...] جمعه ثانی رجب المرجب ۹۲۰ [؟] نوشته شد.» میان این دو رقم نیز عباراتی در یک سطر محو شده است. نکتهٔ قابل توجه آن است که نقوش ابری مربوط به سدهٔ دهم ساده و بعضاً با رنگ‌های محدود (حتی یک رنگ با ترکیب سفید زمینه) هستند و نگارنده تا کنون ابری‌هایی با طرح‌های فیگوراتیو (غیرانتزاعی) در کاغذ ابری تاریخی ندیده است. از طرفی، خط شکسته‌نستعلیق پایین قطعه برای نیمهٔ اول سدهٔ دهم کمی غریب است. علاوه بر این، جمال کاتب

شیرازی نام کاتبی نستعلیق‌نویس از سدهٔ یازدهم است که نسخه‌ای از کلیات اهلی به‌رقم او مورخ ۱۰۵۷ق در دست است.[۱۵] این تاریخ با رقم قطعه نسخ اخیر بیش از یک قرن فاصله دارد، مگر آنکه با دو کاتب هم‌نام مواجه باشیم. بنا بر این، در قدمت این نمونه از ابری‌سازی تردید وجود دارد. با این‌همه، باید گفت تلاش برای ایجاد نقش‌های متنوع روی کاغذ در برگهٔ ارسالی برای سلطان خلجی نیز دیده می‌شود.

ساخت طرح‌های رنگی منحصر به کاغذ نبوده است. در برخی از سفال‌های دورهٔ عباسی طرح‌هایی شبیه به ابروباد روی لعاب پیاده شده است. به نظر می‌رسد فنون تلوین در شیشه‌سازی هم مورد توجه بوده است و از آن در منابع این صنعت یاد شده است. تنها رسالهٔ به‌جای‌مانده دربارهٔ شیشه‌سازی رنگی یکی از تألیفات جابر ابن حیان(الدره المکنونه) است که تک‌نسخهٔ از آن به‌خط مغربی در کتابخانهٔ ملی فرانسه نگهداری می‌شود و در آن از ساخت رنگ‌های وَشی با شیشه یاد می‌کند: «لون کالوشی الاحمر والاخضر واصفر ومن کل لون.»[۱۶] نیز صفت مطوس (طاووسی) کنایه از همین ترکیب‌های رنگی آمیخته بوده است.[۱۷]

از طرف دیگر صورتگری گل‌های گوناگون بر آب در سدهٔ یازدهم برای تزیین فضای معماری آزموده شده است. کاشف سپاهانی در قطعه‌ای زیبا حوضی را توصیف می‌کند که نقوشی از گل‌های مختلف روی آب حوض را آراسته بوده‌اند.[۱۸] این کار به‌دستور شاه عباس و در حدود سال ۱۰۷۰ق انجام گرفته است:

«/۳۷پ/ و له، در تعریف حوضی که حسب الامر اعلی گل بر روی آب نقشبندی شده بود

در بهار کرم خسرو عادل گردید
از گل ولاله کف بحر و رخ دجله خضاب
حوض چون صفحه ما نیست ز رنگ‌آمیزی
این چه نقشی است که دیگر زده ایام بر آب
بس که افتاده بر او پرتو گل پنداری
دُرج یاقوت بود بر زِبَر آب، حباب
گشته از خال بنفشه بدن آب روان
چون تن صافی لیلی منشان در [*][۵]
دست در گردن هم کرده چو مستان امروز
لاله وسوسن و نسرین، همه در عالم آب
شکل فواره زبان[*][۶] گل کرده برون
چشم نرگس شده زین واقعه سرگرم عتاب
چون دل اهل وفا زآتش رخسار بتان
ماهی از شعلهٔ گل گشته در این آب کباب
همچو طاووس نماید به نظر از عکسش
گر پرد از سر این حوض در افلاک غراب
پیش خاک در شاهنشه دوران از شرم
آب از پرده زنبوری گل بسته نقاب
نوزد در چمن معدلت شاه امروز
باد، از شرم گل و لاله و نسرین بر آب
آسمانیست پر از هیات انجم از گل
پی تشریف قدوم شه افلاک جناب
شاه عباس که در انجمن معدلتش
سبزه در بستر آب است چو مخمل در خواب»

(۵) کلمه قافیهٔ بیت که در انحنای شیرازه قرار گرفته در تصویر نسخه خوانده نشد.
(۶) دو کلمه ناخوانا

توصیفات کاشف دقیقاً روشن نمی‌کند که این نقش‌بندی با برگ گل بوده است یا با رنگ‌هایی که در سطح آب ایستاده بوده‌اند. اما وجود فوارهٔ آب، ایجاد نقشی مشخص با استفاده از برگ گل را دشوار می‌کند. به‌علاوه، از بیت هشتم برمی‌آید که آب و انعکاس آن رنگی بوده است. از این رو، احتمال می‌رود این نقش‌بندی با رنگ‌هایی که در ساخت کاغذ ابری استفاده می‌شد انجام گرفته باشد. استفاده از برگ گل برای تزیین آب حوض و خوشبو ساختن فضای خانه سابقه‌ای کهن‌تر دارد. یاقوت حموی از حوضی در خانهٔ ابی محمد مهلبی یاد می‌کند که برگ گل در آن ریخته شده بود.[۱۹]

نتیجه‌گیری

برای روشن‌تر شدن تاریخ ساخت کاغذ ابری باید نمونه‌های اقدم شناخته شود و از طرفی نمونه‌های متأخر آن نیز مورد مطالعه قرار گیرد. سبک‌های مختلف کاغذهای ابری بر اساس شواهد تاریخی (مقایسه با نمونه کاغذهای ابری محمدطاهر، ابری‌های ابوطالب مدرسی یا ابری‌های ارسالی به دربار سلطان خلجی) قابل طبقه‌بندی است و به روشن‌تر شدن تاریخ این

ت ۶. قطعه دعای منظوم امام سجادؑ، مجموعهٔ خصوصی، تاریخ ۹۲۰ق.

کمک می‌کند. پژوهش‌های مربوط به تاریخ و ساخت کاغذابری را در سه مسیر می‌توان پی گرفت:

۱. سبک‌شناسی نمونه‌های موجود، خصوصاً نمونه‌هایی که پس از سدهٔ دهم به‌جای مانده‌اند. این برگه‌ها گاه برای کتابت خوشنویسان بزرگ به‌کار رفته‌اند. البته، به‌منظور برجسته‌سازی خوشنویسی، معمولاً با مایه‌های رنگی و طرح‌های ملایم‌تری اجرا شده‌اند و گاه در نگاه اول دیده نمی‌شوند. شناخت ترکیب‌های رنگی فوق‌العاده و درک فهم رنگی هنرمندان چهار سدهٔ اخیر از دیگر نتایج این پژوهش‌ها خواهد بود.

۲. پژوهش‌های آزمایشگاهی برای شناخت ترکیب مواد رنگی و نیز فن‌شناسی کاغذهای مورد استفاده. اگرچه معمولاً نمونه‌برداری از آثار تاریخی با مشکلات جدی روبه‌روست، اما وجود کاغذهای ابری در جلدهای متأخر می‌تواند راهی ساده‌تر باشد.

۳. پژوهش‌های متن‌شناختی در آثار نظم و نثر. البته تنقیح برخی رسالات تاریخی که چاپ‌های مختلف دارند برای دستیابی به متون دقیق اهمیت دارد و پرداختن به متون منتشرنشده یا غیرایرانی نیز برای فهم بهتر این هنر ضروری است.

پی‌نوشت‌ها

۱. دانشیار دانشگاه هنر تهران. گروه مطالعات موزه.

khoddari@gmail.com

۲. خودداری نایینی، «اسنادی در طلب کاغذ ابری».

3. Benson, “The Art of Abri…”

۴. نک: مایل هروی، کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی، ۵۶۲-۵۶۴.

۵. برای برخی تصاویر، نک: Benson, “The Art of Abri…”.

۶. فهرست‌نویسان کتابخانهٔ وزیری یزد به این کاغذها بیشتر توجه کرده‌اند و از آنها در فهرست یاد کرده‌اند.

۷. خودداری نایینی، «اسنادی در طلب کاغذ ابری» و «مرقعی با کاغذهای ابری میرمحمدطاهر».

۸. همهٔ متون پیاده‌شده و پانوشت‌های آن در این مقاله عیناً مطابق ضبط نویسنده و بدون دخل و تصرف ویراستار چاپ شده است (و.).

9. Benson, “The Art of Abri…”, 157.

۱۰. طغرای مشهدی، کلیات طغرا، ۲۴۳. همانند بیشتر متون مربوط به آماده‌سازی رنگ برای کاغذ ابری این متن هم شواهدی از فرهنگ هندی دارد. مجموعه رسایل طغرا از طرف انتشارات کتابخانهٔ مجلس هم منتشر شده است که در زمان نگارش مقاله دسترسی به آن ممکن نشد.

۱۱. برای مثال، نک: دانش‌پژوه، «رنگ‌سازی در کاغذ و رنگ‌زدایی از آن».

۱۲. جنگ محمدقاسم کرمانی، ۳۱۱. از عنزروت در منابع طبی قدیم به‌کرّات یاد شده است

۱۳. مجموعهٔ ۱۵۴۵/۲ کتابخانهٔ دایرة المعارف بزرگ اسلامی (مورخ ۱۲۸۰ق).

۱۴. از دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی که تصویر این قطعه را در اختیار نگارنده گذاشتند سپاسگزارم.

۱۵. کاخ گلستان، ش ۱۰۱۲۵.

۱۶. Arabe 6915 برگ ۹ پ.

۱۷. زمخشری، اساس البلاغة، ۳۹۷.

۱۸. دیوان کاشف سپاهانی. برگ ۳۷ پ.

۱۹. حموی، معجم الادبا، ۹۸۷.

کتاب‌نامه

اهلی شیرازی. کلیات (نسخهٔ خطی). تهران: کتابخانهٔ کاخ گلستان، ش ۱۰۱۲۵.

جابر ابن حیان. الدرة المکنونة (نسخهٔ خطی). پاریس: کتابخانهٔ ملی فرانسه، Arabe 6915.

جنگ محمدقاسم کرمانی (نسخهٔ خطی). تهران: کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ش ۴۷۳۶.

حموی، یاقوت (۱۹۹۳م). معجم الادبا، إرشاد الأریب إلی معرفة الأدیب (ج ۳). المحقق: إحسان عباس. بیروت: دار الغرب الإسلامي.

حیدری، مرحمت‌علی (۱۳۹۵). الوان الصور. تهران: کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی.

خودداری نایینی، سعید (۱۳۸۹). «اسنادی در طلب کاغذ ابری»، پیام بهارستان، ش ۲، ص ۱۱۷-۱۳۲.

خودداری نایینی، سعید (۱۳۹۴). «مرقعی با کاغذهای ابری میرمحمدطاهر»، اوراق عتیق، ش ۴، ص ۲۷۷-۲۸۸.

دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۶). «رنگ‌سازی در کاغذ و رنگ‌زدایی از آن»، هنر و مردم، ش ۱۸۱ ، ص ۱۶-۳۵.

زمخشری، محمود ابن عمر (۱۳۹۹ق). اساس البلاغة. بیروت: دار صادر.

طغرای مشهدی، کلیات طغرای مشهدی (نسخهٔ خطی). تهران: کتابخانهٔ مجلس شوای اسلامی، ش ۲۳۱۵.

کاشف سپاهانی، دیوان کاشف سپاهانی (نسخهٔ خطی). تهران: کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ش ۲۹۳۴.

مجموعه (نسخهٔ خطی، کتابت ۱۲۸۰ق). تهران: کتابخانهٔ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ش ۱۵۴۵/۲.

مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲). کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

Benson, Jake. “The Art of Abri: Marbled Album Leaves, Drawings, and Paintings of the Deccan.” In Sultans of Deccan India, 1500–1700: Opulence and Fantasy. Edited by Navina Haidar and Marika Sardar. 157–59. New York: Metropolitan Museum of Art, 2015.